

Evaluation of the Financial Literacy of the Managers of the Private Sector Companies

Mina Abousaeidi

Ph.D Student, Department of Accounting, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran,
abousaidimina@gmail.com

Mahmoud Moeinadin*

Associate Professor, Department of Accounting, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd,
Iran, (Corresponding Author)Mahmoudmoein@iauyazd.ac.ir

Forough Heirany

Assistant Professor, Department of Accounting, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd,
Iran, Heyrani@iauyazd.ac.ir

Abstract

Purpose: Measurement of financial literacy of various classes of society has been considered in many internal and foreign studies, but the evaluation of the financial literacy of the companies' managers has not been noticed especially in the national level. So, the present study was designed and conducted with the aim of evaluation of the financial literacy of the companies' managers and identifying the factors effective on it.

Method: In the qualitative stage of the study, the components of managers' financial literacy have been identified using phenomenological method and after being verified and weighted, the managers' financial literacy questionnaire was codified and approved by the experts. Then, in the quantitative stage of the research, using cluster sampling method, the questionnaires were distributed among 229 managing directors and members of the board of directors of the selected companies and the collected data was analyzed using appropriate statistical techniques.

Results: The findings of the qualitative section indicates that the components of the managers' specialized financial literacy include analysis and identification of the financial statements, familiarity with the rules of insurance, labor, taxation, banking, cheque, money laundering, export and import and capital market. The results of testing hypotheses in the quantitative section also indicate inefficiency of managers' financial literacy in the general and private financial literacy domains. Some factors including educations, management record, the size of the company and passing financial courses may influence the managers' financial literacy.

Conclusion: The results showed that the managers lack sufficient financial literacy especially in the specialized domains and they are required to appropriately increase their financial skills in the specialized domain.

Contribution: The present study has presented an appropriate instrument for evaluation of the managers' financial literacy with a qualitative phenomenological approach for the first time in Iran and this may be a starting point for performing new studies in this domain.

Keywords: Phenomenology, Colaizzi Method, Qualitative Approach, Financial Literacy of Managers.

Research Article

Journal of Financial Accounting Knowledge, Vol.8, NO.2, Summer 2021, 195-219

DOI: 10.30479/jfak.2021.13956.2738

Received on 15 August, 2020 Accepted on 20 February, 2021

Copyright© 2021, Abousaeidi, Moeinadin & Heirany

Publisher: Imam Khomeini International University



ارزیابی سواد مالی مدیران شرکت های بخش خصوصی

مینا ابوسعیدی

دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران، abousaidimina@gmail.com

محمود معین الدین*

دانشیار، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

Mahmoudmoein@iauyazd.ac.ir

فروغ حیرانی

استادیار، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران، Heyrani@iauyazd.ac.ir

چکیده

هدف: اندازه‌گیری سواد مالی اقدار مختلف جامعه در گذشته مورد توجه بسیاری از مطالعات داخلی و خارجی بوده، ولی سنجش سواد مالی مدیران شرکت‌ها بطور خاص و به ویژه در سطح ملی مورد توجه نبوده، لذا پژوهش حاضر با هدف ارزیابی سواد مالی مدیران شرکت‌ها و شناسایی عوامل موثر بر آن طراحی و اجرا شده است.

روش: در مرحله کیفی پژوهش، مولفه‌های سواد مالی مدیران با استفاده از روش پدیدارشناسی، شناسایی و پس از تایید و وزن‌دهی، پرسشنامه سواد مالی مدیران تدوین و به تایید خبرگان رسیده؛ سپس در مرحله کمی پژوهش، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، پرسشنامه‌ها بین ۲۲۹ نفر از مدیران عامل و اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های منتخب توزیع و داده‌های گردآوری شده با تکنیک‌های مناسب آماری تحلیل شده است.

یافته‌ها: یافته‌های بخش کیفی حاکی از آن است که مؤلفه‌های سواد مالی تخصصی مدیران عبارتند از تحلیل و شناخت صورت‌های مالی، آشنایی با قوانین بیمه، کار، مالیات، تجارت، بانکداری، چک، پولشویی، صادرات و واردات و بازار سرمایه. نتایج آزمون فرضیه‌ها در بخش کمی نیز حاکی از عدم کفایت سواد مالی مدیران در حوزه‌های سواد مالی عمومی و تخصصی می‌باشد. برخی عوامل از جمله تحصیلات، سابقه مدیریت، اندازه شرکت و گذراندن دوره‌های مالی بر سواد مالی مدیران تاثیرگذار می‌باشند.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد مدیران فاقد سواد مالی کافی به ویژه در حوزه‌های تخصصی هستند و ضرورت دارد به نحو مقتضی مهارت‌های مالی خود در حوزه تخصصی را افزایش دهند.

دانش‌افزایی: پژوهش حاضر نخستین بار در ایران با رویکرد کیفی پدیدارشناسی به ارائه ابزاری مناسب جهت ارزیابی سواد مالی مدیران شرکت‌ها پرداخته و با استفاده از ابزار مزبور سواد مالی مدیران را ارزیابی نموده که این امر می‌تواند نقطه آغازی برای انجام مطالعات جدید در این حوزه باشد.

واژگان کلیدی: پدیدارشناسی، روش کولایزی، رویکرد کیفی، سواد مالی مدیران
مقاله پژوهشی

۱- مقدمه

شاه کلید نجات بخش اقتصاد کشور تولید است که با تحقق حداکثری رونق و حصول مثبت و سازنده در این عرصه، مقاومت پذیری اقتصاد کشور به بهترین نحو ممکن تقویت می شود. در چنین شرایطی آسیب های ناشی از تکانه های اقتصادی، شوک ها و تحریم های خارجی به حداقل ممکن کاهش پیدا می کند. بنابراین، بایستی به واحدهای تولیدی و در راس آن به مدیران به عنوان نیروی محرکه اصلی شرکت ها توجه ویژه ای نمود. صلاحیت مدیران از نظر مهارت های مدیریتی یکی از مهم ترین عوامل استمرار موفقیت در هر سازمان است. اثربخشی و کارایی مدیران مستلزم داشتن مهارت های مدیریتی است و نقصان هر یک از مهارت ها شانس موفقیت واحد تجاری به عنوان یک کل را کاهش می دهد. در این راستا صاحب نظران مهارت های متنوعی را برای مدیران ضروری می دانند که نداشتن آن ها باعث شکست می شود. رابرت کاتز (۱۹۷۴)، سه مهارت اساسی مدیریتی شامل، مهارت فنی، مهارت های انسانی و مهارت های مفهومی را شناسایی نمود. مهارت فنی یعنی دانایی و توانایی در انجام دادن وظایف خاص که لازمه آن ورزیدگی در کاربرد فنون و ابزار ویژه و شایستگی عملی در رفتار و فعالیت است. مهارت انسانی یعنی داشتن توانایی و قدرت تشخیص در زمینه ایجاد محیط تفاهم و همکاری و انجام دادن کار به وسیله دیگران می باشد. مهارت ادراکی یعنی توانایی درک پیچیدگی های کل سازمان و تصور همه عناصر و اجزای تشکیل دهنده کار و فعالیت سازمانی به صورت یک کل واحد است (مظفری و همکاران، ۱۳۸۱؛ ۹۳). از جمله مهارت های فنی که برای موفقیت مدیران در عرصه تولید و تجارت موثر و ضروری می باشد، سواد مالی است. سواد مالی با مفهوم هوش مالی در ارتباط است و شامل مجموعه مهارت هایی می باشد که فراگیری آن برای افرادی که می خواهند کسب و کار موفق داشته باشند، ضروری است (پلاکالویک^۱، ۲۰۱۵؛ ۴۱۰).

حدود نیمی از شرکت ها در پنج سال ابتدایی عمرشان ورشکست می شوند (بایراکدارو قلو و بتان^۲، ۲۰۱۴؛ ۱۴۹). یه و کولاتونگا^۴ (۲۰۱۹؛ ۳) معتقدند، سواد مالی اثرات مستقیم و غیرمستقیمی بر عدم شکست و پایداری شرکت ها دارد. آگاهی و شناخت مدیران از روش ها و ابزارهای مختلف تامین نقدینگی و کاهش ریسک برای غلبه بر چالش های مالی پیش روی شرکت ها، ضروری است (بایراکدارو قلو و بتان، ۲۰۱۴؛ ۱۴۹). ماریوت و ملت^۵ (۱۹۹۱) در پژوهشی در مورد کفایت مدیران نشان دادند که اگر مدیران مهارت های مالی لازم را نداشته باشند، تصمیمات اشتباهی اتخاذ می نمایند (پلاکالویک، ۲۰۱۵؛ ۴۱۰). کوتزی و اسمیت^۶ (۲۰۰۸) به این نتیجه رسیدند که فقدان سواد مالی مدیران دلیل اصلی شکست شرکت های کوچک و بزرگ است (یه و کولاتونگا، ۲۰۱۹؛ ۳).

در پژوهش ایشاهامتو و کازمینا^۷ (۲۰۱۷؛ ۷۷) واژه سواد مالی مدیران از دو دیدگاه بررسی می شود. از دیدگاه اول، مدیریت موفق یک واحد تجاری به این دلیل به دانش موضوعات مالی

احتیاج دارد که وی را با مهارت‌های اساسی برای مدیریت موثر و کارآمد اعداد و ارقام مجهز کرده و باعث ایجاد گزارش‌های مالی می‌شود که برای واحد تجاری مزیت‌های زیادی دارد. از دیدگاه دوم، از نظر روان‌شناسی، واژه سواد مالی به عنوان تجربه احساس آزادی مالی، تعبیر می‌شود. این احساسات به مدیر برای به دست آوردن اعتماد به نفس، بهره‌وری و موفقیت کمک می‌کند. «ما به دانش مالی نیاز داریم تا قادر به ارزیابی مناسب موقعیت مالی شرکت، کنترل نقدینگی و شناسایی منابع اساسی شرکت باشیم، این باعث استقلال مالی شرکت می‌شود و مدیر احساس می‌کند که از نظر توانایی تجزیه و تحلیل مالی مستقل است». داشتن سواد مالی کافی باعث می‌شود که مدیر بتواند ارزیابی انتقادی از کیفیت اطلاعات مالی و موقعیت مالی یک شرکت داشته باشد و همچنین سوگیری‌های پنهانی در اعداد و ارقام را درک نموده و از حجم اطلاعات مالی برای تصمیم‌گیری موثر استفاده نماید. در تئوری‌های مالی نوین، نقش رفتارهای مالی و مدیریت مالی در حال توسعه می‌باشد که این موضوع باعث تقویت مبحث مدیریت مالی در آموزش‌های مدیریتی می‌شود. تجربه نشان می‌دهد که مالکان شرکت‌های کوچک علی‌رغم این که تخصصی در حوزه مالی ندارند، برخی از فعالیت‌های مالی از جمله حسابداری، محاسبات مربوط به حقوق و دستمزد و مالیات را راساً انجام می‌دهند. متأسفانه بسیاری از افراد، از دبیرستان‌ها فارغ التحصیل می‌شوند بدون اینکه در زمینه سواد مالی آموزشی دیده باشند (ایشاهمتو و کارمینا، ۲۰۱۷؛ ۷۷).

به منظور بهبود سطح سواد مالی در یک جامعه، باید ابتدا از وضعیت موجود آن مطلع شد و سپس با توجه به ویژگی‌های فردی، اجتماعی و فرهنگی حاکم و برای تمام رده‌های سنی اعم از زن و مرد، هم به عنوان مصرف‌کنندگان منابع اقتصادی و هم از منظر تولیدکنندگان (صاحبان کسب و کار) منابع اقتصادی در سطح خرد و کلان، تصمیم‌گیری و برنامه‌های متناسب طراحی و اجرا شود (حنیفه زاده، ۱۳۹۴؛ ۱۳۲). در مورد مدیران نیز این وضعیت مصداق دارد بنابراین باید ابتدا از وضعیت سواد مالی آن‌ها مطلع شد و در مراحل بعدی جهت بهبود آن گام برداشت. مدیرانی به لحاظ مالی با سواد تشخیص داده می‌شوند، که دارای سواد مالی کافی بوده بتوانند کاربرد مهارت‌های مالی خود را به نمایش بگذارند. سنجش سواد مالی مدیران ایرانی کمکی در جهت ارتقا و تعالی آن‌هاست و همین امر منجر به بهبود وضعیت و افزایش منافع سازمان‌ها شده و نهایتاً بر رفاه جامعه و خانوارها تاثیرگذار خواهد بود.

جهت ارزیابی سواد مالی مدیران، سنجش مولفه‌های سواد مالی عمومی (درآمد و پس انداز و سرمایه گذاری، خرج و سرمایه گذاری، بیمه و بازنشستگی) که همه اقشار جامعه بایستی داشته باشند، کافی نبوده و سواد مالی تخصصی، که لازمه اداره و رهبری کارا و موثر شرکت‌ها و واحدهای تجاری می‌باشد، نیز بایستی مورد بررسی قرار گیرد که تاکنون در ایران شناسایی و اندازه‌گیری نشده است، بنابراین ضروری می‌باشد که ابتدا مولفه‌های سواد مالی تخصصی در

جهت ساخت ابزاری مناسب برای ارزیابی دقیق سواد مالی مدیران شناسایی و وزن دهی شوند. در بسیاری از مطالعات سواد مالی که تعدادی از آن ها در مبانی نظری ذکر خواهد شد، تاثیر عواملی از جمله؛ ویژگی های جمعیت شناختی، سطح تحصیلات، تجربه و گذراندن دوره های مالی بر سطح سواد مالی سایر جوامع تایید شده است. برای ارتقای سواد مالی مدیران نیز آگاهی از تاثیر این عوامل ضروری می باشد. لذا با توجه به مطالب پیش گفته هدف این پژوهش سنجش سواد مالی عمومی و تخصصی مدیران شرکت های خصوصی ایرانی است، همچنین ارتباط عواملی از جمله؛ ویژگی های جمعیت شناختی، سطح تحصیلات، تجربه مدیریت، گذراندن دوره های مالی، اندازه شرکت، نوع صنعت و زمینه فعالیت شرکت و سواد مالی مدیران، مورد بررسی قرار می گیرد. در ادامه مبانی نظری، فرضیه ها، روش شناسی پژوهش و نتایج و یافته های پژوهش ارائه می شود.

۲- مبانی نظری، مبانی تجربی و فرضیه ها

پژوهش های سواد مالی در دو گروه عمده قرار می گیرند؛ گروه اول مربوط به پژوهش هایی است که به بررسی مؤلفه ها یا عناصر سواد مالی می پردازند مانند؛ پژوهش یعقوب نژاد و همکاران (۱۳۹۰) در ایران، لوساردی و میشل^۸ (۲۰۰۸ و ۲۰۱۱)، هوستن^۹ (۲۰۱۰)، حوسین و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۸) و پژوهش های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^{۱۱}. گروه دوم، پژوهش هایی هستند که با استفاده از یافته های پژوهش های گروه اول به بررسی و سنجش سواد مالی می پردازند مانند سنجش سواد مالی در کشورهای مختلف، بررسی رابطه سواد مالی با تصمیمات و متغیرهای مختلف، بررسی رفتارها و ویژگی های افراد با سطوح سواد مالی مختلف، بررسی رابطه بین آموزش های مالی و سواد مالی و این که آیا کم سواد مالی می تواند بهبود یابد یا خیر.

با توجه به این که هدف پژوهش حاضر سنجش سواد مالی مدیران شرکت هاست و بررسی - های محقق حاکی از عدم وجود پرسشنامه مناسب در کشور جهت این امر دارد لذا پژوهش حاضر رسالت اولیه خود را شناسایی ابعاد و مولفه های سواد مالی مدیران قرار داده تا مبتنی بر آن ابزار پژوهش تدوین گردد لذا در ادامه مبانی نظری حاکم بر ابعاد و مولفه های سواد مالی ارائه گردیده است.

در پژوهش یعقوب نژاد و همکاران (۱۳۹۰)، با استفاده از روش دلفی فازی و کسب اجماع خبرگان مولفه های سواد مالی عمومی که عبارتند از؛ درآمد و پس انداز و سرمایه گذاری، خرج و سرمایه گذاری، بیمه و بازنشستگی، شناسایی گردیدند. در بخش سواد مالی عمومی از ابزار ارائه شده در این پژوهش استفاده شده است.

حوسین و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با استفاده از روش‌های کیفی و مصاحبه با مدیران سعی در شناسایی ابعاد سواد مالی مدیران داشتند. پلاکاویک و همکاران (۲۰۱۵) معتقدند مدیران شرکت‌ها با استفاده از تجزیه و تحلیل‌های انجام شده بر روی صورت‌های مالی، ضمن درک وضعیت سودآوری، ریسک مالی، تولید و فروش، وضعیت بدهی، چرخه عملیات و حاشیه سود شرکت، می‌توانند اقدامات آگاهانه و مؤثرتری در راستای بهبود عملکرد شرکت انجام دهند. از جمله ابعاد مؤثر شناسایی شده در این پژوهش‌ها می‌توان به شناخت و تحلیل صورت‌های مالی اشاره نمود.

هوستن (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان ارزیابی سواد مالی، چهار مؤلفه را برای سواد مالی، شناسایی نمود. از جمله مولفه‌های این پژوهش می‌توان به آشنایی با قوانین و مقررات بیمه اشاره نمود. وی معتقد است اطلاع از این قوانین موجب انتقال و کاهش ریسک می‌گردد.

لوساردی و میشل (۲۰۰۸) بیان می‌کنند افراد عادی که در پرداخت مالیات دچار اشتباه می‌شوند باید از قوانین و مقررات مالیاتی اطلاع داشته باشند و از آن به عنوان پایه دانش مالی و ذخیره‌ی تجربه‌ی کار مالی نامبرده می‌شود. دیو و همکاران^{۱۲} (۲۰۱۱) اطلاع کارمندان از قوانین و مقررات تجاری و قوانین و مقررات مالیات را ضروری دانستند که در پژوهش هوستن (۲۰۱۰) نیز مولفه برنامه‌ریزی مالیاتی بیان شده است بنابراین، لزوم آشنایی با قوانین و مقررات مالیاتی و تجارت از پژوهش‌های فوق استنباط می‌گردد.

پژوهش‌های هوستن (۲۰۱۰) و بایراکداروقلو و بتان (۲۰۱۴) که به بررسی توانایی مدیران شرکت‌های کوچک و متوسط در استفاده از انواع ابزارهای بازار مالی پرداخته بودند، بر مولفه‌هایی نظیر آشنایی با قوانین و مقررات بانکداری و سرمایه‌گذاری در بورس تاکید داشتند. شناخت سهام، اوراق قرضه، صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری، قوانین بانکی جهت اخذ انواع وام، از جمله مواردی است که به آن‌ها اشاره گردیده است.

همان‌گونه که از بررسی پیشینه‌های نظری مشخص است اغلب تحقیقات انجام شده در حوزه سواد مالی عمومی بوده و به معرفی ابعاد و مولفه‌های سواد مالی عمومی پرداخته‌اند و محدود تحقیقاتی که در حوزه سواد مالی مدیران انجام شده صرفاً به جنبه‌های محدودی از سواد مالی مدیران پرداخته‌اند، بنابراین ضرورت دارد با رویکرد پدیدارشناسی و با استفاده از تجربه خبرگان مالی ابعاد و مولفه‌های سواد مالی شناسایی گردد.

۲-۱. لزوم سنجش سواد مالی مدیران

بوکدادی و همکاران^{۱۳} (۲۰۲۰) معتقد هستند آگاهی مدیران از مفاهیم مالی و توانایی استفاده و مهارت‌های مرتبط با آن باعث می‌شود مدیران تصمیمات تجاری مناسبی اتخاذ نمایند که این امر بر تداوم و موفقیت در کسب و کار تاثیر می‌گذارد بنابراین، سنجش سواد مالی مدیران حائز اهمیت می‌باشد.

وایس^{۱۴} (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان تاثیر سواد مالی بر فعالیت اقتصادی جدید نشان داد که سواد مالی برای بقای شرکت های کوچک و متوسط در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، مهم بوده و پایین بودن آن موجب ضعیف شدن شیوه های مدیریت مالی و به تبع آن منجر به اشتباهات مالی مکرر می گردد (یه و کولاتونگا، ۲۰۱۹؛ ۳). بایراکداروقلو و بتان (۲۰۱۴) به بررسی توانایی مدیران شرکت های کوچک و متوسط در استفاده از ابزارهای بازار مالی پرداختند، نتایج نشان می دهد که مدیران با سطح سواد مالی بالاتر، بیشترین مشارکت را در بازارهای مالی داشتند و عوامل رفتاری بر مشارکت در بازار اثر می گذارد. نتایج پژوهش پلاکاوپیک و همکاران (۲۰۱۵) با هدف بررسی سطح سواد مالی مدیران شرکت های متوسط و کوچک حاکی از آن است که دانش مالی مدیران شرکت های بررسی شده به طور غیر منتظره ای پایین تر از سطح مقدماتی بوده و مدیران شرکت های کوچک و متوسط از نسبت های مالی، بسیار کم استفاده می کنند و از این رو با تجزیه و تحلیل این نسبت ها آشنایی زیادی نداشته و از ارزش دارایی های نامشهود شرکت، اطلاعات چندانی ندارند و مدیریت نقدینگی شرکت همانند فرهنگ رایج مدیریت نقدینگی جامعه، مقدماتی بود. نتایج پژوهش کیموندو و همکاران^{۱۵} (۲۰۱۶) با عنوان تاثیر سواد مالی بر عملکرد مالی شرکت های کوچک و متوسط، نشان داد که رابطه مثبت قوی و معناداری بین سواد مالی صاحبان و عملکرد مالی شرکت های کوچک و متوسط وجود دارد همچنین سطح بالایی از سواد مالی در میان صاحبان شرکت، منجر به عملکرد مالی بالاتر شرکت های کوچک و متوسط می شود که با نتایج پژوهش فرناندز^{۱۶} (۲۰۱۶) با هدف بررسی سواد مالی مدیران و عملکرد واحدهای تجاری، سازگار می باشد. انیولا و انتبانگ^{۱۷} (۲۰۱۷) فقدان سواد مالی را به عنوان مشکل مشترک در شرکت های کوچک و متوسط شناسایی کردند (یه و کولاتونگا، ۲۰۱۹؛ ۳). نتایج پژوهش حوسین و همکاران (۲۰۱۸) با عنوان بررسی رابطه بین سواد مالی، دسترسی به سرمایه و رشد در شرکت های کوچک و متوسط در نواحی مرکزی بریتانیا نشان می دهد که سواد مالی مدیران عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه های نظارت را کاهش داده و ساختار سرمایه شرکت را مطلوب می سازد که بر رشد شرکت ها تأثیر مثبت می گذارد بنابراین سواد مالی به عنوان منبع اصلی بر اتخاذ تصمیم گیری های مؤثر مدیران شرکت های کوچک و متوسط کمک می کند.

یه و کولاتونگا (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی نقش سواد مالی بر پایداری شرکت های کوچک و متوسط پرداختند، نتایج نشان داد که ارتباط مثبت و معناداری بین سواد مالی، دسترسی به سرمایه و نگرش ریسک مالی بر پایداری شرکت ها وجود دارد. بینگ و همکاران^{۱۸} (۲۰۱۹) نقش قابلیت های ناملموس مدیران را در پایداری شرکت های کوچک و متوسط بررسی کردند و به این نتیجه دست یافتند که این قابلیت ها نقش مهمی در توانمند ساختن مدیران در پرداختن به شرایط بازار آشفته ایفا می کنند (یه و کولاتونگا، ۲۰۱۹؛ ۲).

برای درک بهتر سواد مالی بایستی ارتباط میان سواد مالی و عوامل موثر بر آن نظیر؛ جنسیت، سن، سطح تحصیلات یا موقعیت شغلی پاسخگویان بررسی گردد (آریف^{۱۹}، ۲۰۱۵؛ ۷۵). در پژوهش‌های آتیکسون و مسی^{۲۰} (۲۰۱۲)، آریف (۲۰۱۵)، نگوین^{۲۱} (۲۰۱۶)، فرناندز (۲۰۱۶)، مورندو و موتسانزیوا^{۲۲} (۲۰۱۷)، ارتباط سن، جنس و وضعیت تاهل اقشار مختلف جامعه و سطح سواد مالی آن‌ها بررسی گردید، یافته‌های برخی از آن‌ها حاکی از آن است، افزایش سن موجب کسب تجربه در زندگی همچنین، مسئولیت‌های زندگی مشترک و تا حدودی استقلال افراد متاهل، آن‌ها را به سمت کسب مهارت‌های مالی مورد نیاز برای گذراندن امور زندگی مشترک سوق می‌دهد که بر سطح سواد مالی می‌تواند تاثیرگذار باشد.

بر اساس پژوهش‌های التیمی و بن کالی^{۲۳} (۲۰۰۹)، آتیکسون و مسی (۲۰۱۲)، فرناندز (۲۰۱۶) و نگوین (۲۰۱۶) سطح تحصیلات بر میزان سواد مالی تاثیرگذار می‌باشد که علت آن می‌تواند گسترش حوزه‌های مطالعاتی در مقاطع تحصیلی بالاتر باشد. رودیگز و همکاران^{۲۴} (۲۰۱۹) به ارزیابی سواد مشتریان بانک از محصولات پیچیده مالی پرداختند، نتایج نشان داد سطح دانش پایه بین افراد دارای مدرک بالاتر، بهتر است ولی نگرانی‌های جدی در سطح مهارت‌های پیشرفته وجود دارد.

سکینر^{۲۵} (۱۹۵۳) معتقد است که رفتار انسان با نتایج عملکرد وی مرتبط می‌باشد و اگر این عملکرد همراه با تشویق و تنبیه باشد، احتمال دارد این رفتار در آینده تغییر یابد (اونیانگو^{۲۶}، ۲۰۱۳؛ ۱۱) در نتیجه کسب تجربه می‌تواند بر رفتار و در نهایت عملکرد افراد در آینده تاثیرگذار باشد. نتایج پژوهش اونیانگو (۲۰۱۳) نشان می‌دهد تجربه یکی از عوامل تاثیرگذار بر سطح سواد مالی کارمندان بانک می‌باشد.

نتایج پژوهش نگوین (۲۰۱۶) نشان می‌دهد سطح دانش مالی شخصی با ایجاد طیف گسترده‌ای از برنامه‌های آموزشی مربوط به دانش مالی بهبود یافته و با نتایج پژوهش فرناندز (۲۰۱۶) سازگار می‌باشد. روساکر و همکاران^{۲۷} (۲۰۱۶) نشان دادند استفاده از یک رویکرد تجزیه شده برای آموزش سواد مالی، می‌تواند روش بسیار موثری برای کمک به نیازهای سواد مالی پایه برای دانشجویان حسابداری و بازرگانی باشد.

نتایج پژوهش فرناندز (۲۰۱۶) نشان می‌دهد با افزایش اندازه شرکت، سطح سواد مالی مالکان افزایش یافته و با نتایج پژوهش کوتو^{۲۸} (۲۰۱۳) سازگار است، که می‌تواند به دلیل آموزش ناکافی مدیران شرکت‌های کوچک می‌باشد. با توجه به مطالب ارائه شده در این بخش و مبتنی بر مبانی نظری، در ادامه ابتدا سوال‌های مرتبط با بخش کیفی تحقیق که با رویکرد پدیدارشناسی^{۲۹} و با هدف شناسایی ابعاد و مولفه‌های سواد مالی مدیران شرکت‌ها انجام شده، مطرح و در ادامه با توجه به هدف بخش کمی پژوهش و مبانی ذکر شده، فرضیه‌های پژوهش مطرح می‌گردد.

سوالات بخش کیفی پژوهش

الف) حوزه‌های (ابعاد و مولفه‌های) سواد مالی تخصصی مدیران کدامند؟ و وزن و اهمیت این مولفه چگونه است؟

ب) ابزار مناسب جهت اندازه‌گیری سواد مالی عمومی و تخصصی مدیران چیست؟ فرضیه‌های بخش کمی پژوهش:

فرضیه اول؛ مدیران شرکت‌های ایرانی از نظر مالی با سواد هستند.

فرضیه دوم؛ بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مدیران و سطح سواد مالی آن‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه سوم؛ بین سطح تحصیلات مدیران و سطح سواد مالی آن‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه چهارم؛ بین تجربه و سابقه مدیریت مدیران و سطح سواد مالی آن‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه پنجم؛ بین گذراندن دوره‌های مالی و سطح سواد مالی مدیران رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه ششم؛ بین اندازه شرکت و سطح سواد مالی مدیران رابطه معنی‌داری وجود دارد. فرضیه هفتم؛ بین نوع صنعت فعالیت شرکت و سطح سواد مالی مدیران آن رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه هشتم؛ بین نوع فعالیت شرکت و سطح سواد مالی مدیران آن رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در دو مرحله انجام می‌شود، مرحله اول پژوهش، مبتنی بر پارادایم تفسیری بوده و به لحاظ جهت‌گیری، بنیادی است، زیرا به دنبال یافتن مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری سواد مالی مدیران می‌باشد و از سوی دیگر کاربردی است زیرا به صورت کاربردی می‌توان با بکارگیری این مؤلفه‌ها سواد مالی مدیران را مورد ارزیابی قرار داد، بدین لحاظ در مرحله اول به شناسایی و وزن‌دهی ابعاد و مولفه‌های مؤثر در شکل‌گیری سواد مالی مدیران و همچنین تدوین پرسشنامه پرداخته می‌شود، لذا روش پژوهش کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف از انجام این پژوهش اکتشافی است زیرا مسأله‌ای را مورد توجه قرار می‌دهد که قبلاً به این صورت و در این سطح به آن پرداخته نشده است، و به صورت تک مقطعی انجام می‌پذیرد. محیط پژوهش، میدانی و استراتژی آن پدیدارشناسی از نوع تفسیری می‌باشد، زیرا به توصیف صرف نمی‌پردازد و نتایج مصاحبه‌ها را نیز تفسیر می‌کند. شیوه‌ی گردآوری داده‌ها از طریق

مصاحبه نیمه ساختاریافته و شیوه تحلیل داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی (گزینشی) انجام گرفته است. در این پژوهش از چهار پرسشنامه بنا به ضرورت استفاده شده است. اولین پرسشنامه، برای اعتبارسنجی و تعیین اهمیت مولفه‌های شناسایی شده از نظر خبرگان، استفاده گردید. در پرسشنامه دوم با استفاده از مقایسات زوجی به وزن‌دهی این مولفه‌ها پرداخته، در مرحله بعد با توجه به مصاحبه با خبرگان، پرسشنامه اولیه طراحی و به وسیله روش دلفی فازی میزان اهمیت سوالات سنجیده و تعدادی از سوالات حذف گردیدند همچنین از خبرگان در مورد مدت زمان و تعداد پرسش‌های لازم برای سنجیدن سواد مالی مدیران پرسش گردید، در آخر پرسشنامه نهایی که برای سنجش سواد مالی مدیران مناسب بود، تدوین گردید. سوالات مزبور حاصل اجماع خبرگان مالی منتخب بوده است که قسمت اول آن مرتبط با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، سطح تحصیلات، میزان تجربه، گذراندن دوره‌های مالی، نوع صنعت و زمینه فعالیت و قسمت دوم آن حاوی ۴۰ سوال است که با توجه به وزن‌های به دست آمده مربوط به حوزه‌ها و مولفه‌ها، ۱۲ سوال به سنجش سواد مالی عمومی (برگرفته از پرسشنامه پژوهش یعقوب نژاد و همکاران، ۱۳۹۰) و ۲۸ سوال بعدی به سنجش سواد مالی تخصصی (مبتنی بر مولفه‌های شناخته شده در این پژوهش) اختصاص یافته است.

در مرحله دوم به دلیل اندازه‌گیری سواد مالی مدیران، پژوهش از نوع کمی و هدف آن توصیفی با استفاده از پیمایش می‌باشد و محیط آن، میدانی و شیوه‌ی گردآوری داده‌ها از طریق پرسشنامه و از بعد تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز پژوهش حاضر از نوع همبستگی تلقی می‌شود.

۳-۱. جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

نظر به این که پژوهش حاضر به دو روش کیفی و کمی انجام می‌پذیرد، شامل دو نمونه آماری مجزا، خبرگان مالی در بخش کیفی و مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره شرکت‌های بخش خصوصی در بخش کمی به شرح زیر می‌باشد:

۳-۱-۱. خبرگان مالی

به طور معمول، نمونه افراد از میان کسانی انتخاب می‌شود که یا ارتباط خاصی با موضوع تحقیق دارند یا دارای عقاید ویژه‌ای هستند (سپاسگر شهری و منوچهری، ۱۳۹۳؛ ۱۱۸). با توجه به موضوع مطالعه‌ی حاضر، خبرگان مالی به دلیل داشتن تجربه در حرفه و ارائه‌ی مشاوره‌ی مالی به مدیران، بیشترین ارتباط را از لحاظ مالی با آنها داشته و تجربیات ارزنده و عقاید ویژه‌ای را در زمینه‌ی سواد مالی مدیران در اختیار دارند. در پژوهش یعقوب نژاد و همکاران (۱۳۹۰) نیز برای ارائه‌ی الگو جهت سنجش سواد مالی عمومی با روش دلفی فازی از نظرات خبرگان مالی استفاده شده است. بنابراین برای جامعه‌ی آماری خبرگانی انتخاب شدند که؛ ۱- دارای مدرک دکتری در رشته‌ی حسابداری و مالی بوده و عضو هیئت علمی دانشگاه با

مرتبه استادیار و بالاتر باشند ۲- سابقه‌ی تجربه در ارائه خدمات مالی و مشاوره‌ی مالی و اقتصادی به شرکت‌ها، حداقل به مدت ۱۰ سال را داشته باشند. در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است. روش نمونه‌گیری گلوله برفی جزء روش‌های نمونه‌گیری هدفمند قرار می‌گیرد؛ روند مشاهده یا مصاحبه از یک عضو شروع شده و سپس از مشارکت‌کننده خواسته می‌شود که فرد یا افراد دیگری را که می‌شناسد که ویژگی‌های مورد نظر محقق را دارند، معرفی نماید. بدین منظور پس از بررسی‌های اولیه، دو نفر انتخاب شدند و انجام مصاحبه با ایشان آغاز گردید. در پایان مصاحبه از ایشان خواسته شد چنانچه فرد یا افرادی را می‌شناسند که در زمینه مورد بحث، دارای تجربه و تخصص هستند، معرفی نمایند. این موضوع در تمام مصاحبه‌ها مطرح گردید و بدین ترتیب افراد نمونه شناسایی و انتخاب شدند تا اصل اشباع نظری حاصل شود. تعداد خبرگان مالی در این پژوهش جمعاً ۱۰ نفر می‌باشد. کی ول^{۳۰} (۱۹۹۶) اظهار می‌کند؛ در مطالعه‌ای که با دقت هدایت شده و در آن انتخاب نمونه به صورت تکاملی و تعاقبی بوده است، می‌توان با حدود ۱۰ شرکت‌کننده به نقطه اشباع رسید (سپاسگر شهری و منوچهری، ۱۳۹۳). مک کئون و توماس^{۳۱} (۱۹۹۸) نیز بیان می‌کنند در صورتی که هدف از مصاحبه، اکتشاف و توصیف عقاید و نگرش‌های مصاحبه‌شوندگان باشد، با توجه به زمان و منابع قابل دسترس، تعداد (۱۰ ± ۱۵) نمونه برای انجام مصاحبه کافی خواهد بود (سپاسگر شهری و منوچهری، ۱۳۹۳؛ ۱۱۸).

۳-۱-۲. مدیران شرکت ها

جامعه آماری بخش کمی پژوهش کلیه مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره شرکت‌های بخش خصوصی^{۳۲} (شرکت‌های غیردولتی) می‌باشند که جامعه نامحدود محسوب شده و قابل شمارش نمی‌باشند. لذا در این پژوهش برای انتخاب نمونه ابتدا از نمونه مقدماتی که برای ارزیابی اعتبار پرسشنامه استفاده گردید؛ معیارهای توصیفی متغیر سواد مالی را محاسبه نموده و سپس با استفاده از فرمول ککران حجم نمونه تعیین گردید. معیارهای توصیفی نمونه مقدماتی در نگاره ۱ ارائه شده است.

نگاره ۱: معیارهای توصیفی نمونه مقدماتی یا اولیه

تعداد	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	میانگین	انحراف معیار
۳۸	۱۶	۲۲	۱۸/۴۷۳	۰/۳۸۶

با محاسبه مقدار انحراف معیار نمونه مقدماتی و استفاده از فرمول ککران می‌توان حداقل حجم نمونه را تعیین نمود که در رابطه زیر ارائه شده است.

$$n = \left(\frac{Z \cdot S}{d} \right)^2 = \left(\frac{1/96 * 0/386}{0/05} \right)^2 \cong 229$$

حال با عنایت به اینکه سطح درآمد، نوع صنعت و حوزه فعالیت مدیران در میزان سواد مالی آنان بر اساس جغرافیای محل فعالیت مدیران متفاوت خواهد بود؛ نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای صورت پذیرفته و از بین استان‌ها، پنج استان با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، انتخاب و پرسشنامه از طریق اینترنت در اختیار آنان قرار داده شده است. البته در مرحله نخست و شروع پژوهش لینک الکترونیکی پاسخگویی به پرسشنامه برای ۲۵۰ نفر از مدیران شرکت‌ها ارسال شد که فقط ۱۸۳ نفر به طور کامل و به درستی به پرسشنامه پاسخ دادند و با عنایت به عدم تحقق نمونه لازم براساس فرمول ککران مجدد لینک الکترونیکی پاسخگویی به پرسشنامه برای ۱۰۰ مدیر دیگر نیز ارسال گردید و پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌هایی که به صورت ناقص ارسال شده بودند؛ فایل پاسخنامه تعداد ۲۲۹ پرسشنامه منطبق با فرمول ککران به عنوان حداقل نمونه، به منظور تحلیل روابط بین متغیرها در نرم افزار SPSS تغذیه شد.

۲-۳. روایی و پایایی تحلیل کیفی

به منظور اطمینان از روایی پژوهش، از دو روش بازخور مشارکت‌کننده و ارائه توصیف-کننده‌ها استفاده شده است. برای این منظور، متن مصاحبه‌ی انجام شده برای خبرگان ارسال و به تأیید ایشان رسیده است. به منظور ارزیابی پایایی پژوهش، ابتدا از استراتژی توافق میان دو کدگذار استفاده گردید و از فرد خبره‌ی دیگری خواسته شد که به کدگذاری متون مصاحبه‌ها بپردازد. پس از کدگذاری، میزان تطابق و مشابهت‌ها ارزیابی شدند. سپس فرآیند کدگذاری دوباره توسط محقق و با فاصله‌ی زمانی صورت گرفت و میزان مشابهت آن با کدگذاری‌های اولیه ارزیابی شد.

۳-۳. روایی پرسشنامه

برای ارزیابی روایی پرسشنامه، از روش روایی محتوا (اعتبار محتوا) استفاده شده است. در این پژوهش دو نوع روایی شامل بررسی مشارکت‌کنندگان و ممیزی خارجی مورد بررسی قرار گرفته است. به منظور بررسی مشارکت‌کنندگان، داده‌های گردآوری شده، تحلیل‌ها، تفاسیر و نتیجه‌گیری‌ها به مشارکت‌کنندگان ارائه و از آنها خواسته شد تا در مورد صحت و اعتبار آن قضاوت کنند. در مورد ممیزی خارجی نیز دو متخصص خارجی (استاد راهنما و مشاور) که در زمینه تحقیق صاحب نظر بودند، پژوهش را بررسی کردند.

۳-۴. پایایی پرسشنامه یا قابلیت اعتماد

برای آزمون پایایی پرسشنامه در این پژوهش از آزمون آلفای کرونباخ استفاده می شود و برای هر یک از پرسشنامه های پژوهش میزان آلفای کرونباخ محاسبه و در نگاره ۲ ارائه شده است.

نگاره ۲: آلفای کرونباخ برای پرسشنامه های پژوهش

پرسشنامه	تعداد سوالات	تعداد نمونه مقدماتی	آلفای کرونباخ	نتیجه
سواد مالی عمومی	۱۲	۳۸	۰/۸۱۴	تائید می شود
سواد مالی تخصصی	۲۸	۳۸	۰/۸۳۶	تائید می شود
سواد مالی (کل پرسشنامه)	۴۰	۳۸	۰/۸۲۴	تائید می شود

یافته های فوق نشان می دهد که میزان اعتبار پرسشنامه ها بیش از ۰/۷ بوده و تمامی پرسشنامه ها دارای اعتبار هستند.

۴- یافته های پژوهش

با عنایت به روش پژوهش مذکور، یافته های بخش کیفی و کمی به طور جداگانه بیان می شود.

۴-۱. یافته های بخش کیفی

با استفاده از تکنیک هفت مرحله ای کولایزی و کد گذاری باز، محوری و انتخابی، ۴۷ تم فرعی و ۱۱ تم اصلی (مولفه) شناسایی گردید. پس از شناسایی عوامل مؤثر بر سواد مالی مدیران، با تکنیک دلفی فازی، شاخصه ها تأیید و اعتبارسنجی و در گام بعدی به کمک روش تحلیل سلسله مراتبی فازی به روش بوکلی وزن حوزه ها و مولفه ها از نظر خبرگان مالی تعیین گردید. نرخ سازگاری برای پرسشنامه مقایسات زوجی در این پژوهش برای همه پاسخ دهندگان از روش گوگوس و بوچر^{۳۳} محاسبه و نرخ آن ها کمتر از ۰,۱ بوده، بنابراین پرسشنامه ها سازگار می باشند. وزن حوزه ها و مولفه های سواد مالی به شرح نگاره ۳ می باشد:

نگاره ۳: وزن حوزه‌ها و مولفه‌ها

حوزه	اوزان	مولفه	اوزان
سواد مالی عمومی	۰/۲۹۵	کسب درآمد، پس انداز و سرمایه گذاری	
	۰/۵۵۳	خرج و استقراض	۰/۳۰۶
	۰/۱۵۲	بیمه و بازتنسنگی	
	۰/۱۵۲	شناخت صورتهای مالی	
	۰/۱۶۳	تحلیل صورتهای مالی	
سواد مالی تخصصی	۰/۰۶۳	قوانین و مقررات بیمه تأمین اجتماعی	
	۰/۰۶۵	قوانین و مقررات کار	
	۰/۱۲۳۳	قوانین و مقررات مالیاتی	
	۰/۱۰۸	قوانین و مقررات تجارت	۰/۶۹۴
	۰/۰۸۱	قوانین و مقررات بانکداری	
	۰/۰۷۸۲	قوانین و مقررات چک	
	۰/۰۶۰۵	قوانین و مقررات پولشویی	
	۰/۰۵۲	قوانین و مقررات صادرات و واردات	
	۰/۰۵۴	قوانین و مقررات بازار سرمایه (بورس)	

با توجه به متن مصاحبه با خبرگان و مولفه‌های شناسایی شده تعداد ۷۶ سوال در بخش سواد مالی تخصصی طراحی و سپس به روش دلفی فازی تعداد ۲۸ سوال از ۷۶ سوال انتخاب شد. زمانی که اختلاف میانگین نظرات خبرگان درباره‌ی سوالات مطرح شده در پرسشنامه، طی دو مرحله متوالی دلفی فازی کمتر از ۰,۱۵ شود، اجرای دلفی متوقف و از سوالاتی که امتیاز خوب کسب کرده باشند (میانگین امتیاز آن‌ها تقریباً در محدوده عدد مثلثی ۵، ۷، ۹ باشد) به منظور تهیه پرسشنامه استاندارد سنجش سواد مالی مدیران استفاده می‌شود.

اکثریت خبرگان با تعداد ۴۰ سوال موافق بودند که با توجه به نتایج روش تحلیل سلسله مراتبی فازی، رتبه سواد مالی عمومی تقریباً ۳۰٪ و سواد مالی تخصصی تقریباً ۷۰٪ تعیین شده بود. تعداد ۱۲ سوال عمومی (برگرفته از پژوهش یعقوب نژاد و همکاران، ۱۳۹۰) و با توجه به اوزان مولفه‌های سواد مالی تخصصی تعداد ۲۸ سوال انتخاب گردید.

لازم به ذکر است به دلیل رعایت حجم مقاله و با توجه به این که تاکید و هدف اصلی مقاله حاضر ارزیابی سواد مالی مدیران شرکت‌ها بوده، از ارائه محاسبات و مراحل متعدد بخش کیفی پژوهش خودداری گردیده و در این مقاله صرفاً به اختصار نتایج نهایی شناسایی و وزن‌دهی مولفه‌ها ارائه شده است.

۴-۲. یافته‌های بخش کمی

در این پژوهش با کمک آزمون کولموگروف - اسمیرنف فرض آماری نرمال بودن اطلاعات جمع‌آوری شده را مورد آزمون قرار می‌گیرد. با عنایت به بیشتر بودن سطح معناداری متناظر با متغیرها نسبت به ۰/۰۲۵ به این نتیجه رسیده که با اطمینان ۰/۹۵ متغیرهای مذکور دارای توزیع نرمال می‌باشند، بنابراین از آزمون‌های پارامتریک استفاده می‌شود.

نگاره ۴: آزمون کولموگرف - اسمیرنف برای متغیرهای پژوهش

نتیجه	سطح معناداری	آماره آزمون	
نرمال است	۰/۰۶۳	۱/۹۰۸	سواد مالی عمومی
نرمال است	۰/۰۸۵	۱/۲۵۶	سواد مالی تخصصی
نرمال است	۰/۰۸۱	۱/۵۱۱	سواد مالی

۴-۲-۱. بررسی فرضیه های پژوهش

تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از آزمون مقایسه میانگین ها انجام می- شود. ابتدا با عنایت به نرمال بودن اطلاعات جمع آوری شده در شاخص سواد مالی و سواد مالی تخصصی از آزمون t استیودنت استفاده می گردد.

فرضیه اول: مدیران شرکت های ایرانی از نظر مالی با سواد هستند.

این فرضیه به منظور بررسی کفایت سواد مالی مدیران مالی مطرح و با استفاده از تکنیک های آماری مقایسه میانگین تجزیه و تحلیل شده است. در ادامه خلاصه نتایج آزمون مقایسه میانگین، آزمون t استیودنت برای امتیاز سواد مالی^{۳۴} مدیران ارائه می گردد.

نگاره ۵: نتایج آزمون t استیودنت برای مقایسه سواد مالی

آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
-۳/۵۷۱	۲۲۸	۰/۰۰۱	تأیید نمی شود

یافته های نگاره فوق نشان می دهد که فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه «مدیران از نظر مالی با سواد هستند» با اطمینان ۰/۹۵ رد می گردد. در حقیقت نتایج فرضیه فوق نشان می دهد که با اطمینان ۰/۹۵ مدیران کم سواد هستند. در ادامه آزمون مقایسه میانگین برای سواد مالی عمومی و تخصصی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

نگاره ۶: نتایج آزمون t استیودنت برای مقایسه سواد مالی عمومی

نتیجه	سطح معناداری	آماره t	
عدم تأیید	۰/۳۸۸	۰/۸۶۵	کسب درآمد، پس انداز و سرمایه گذاری
عدم تأیید	۰/۰۰۱	-۶/۷۸	خرج و استقراض
تأیید	۰/۰۰۱	۶/۱۳	بیمه بازنشستگی
عدم تأیید	۰/۱۰۶	-۱/۶۲	سواد مالی عمومی
عدم تأیید	۰/۰۰۱	-۶/۴۱	شناخت صورت های مالی
عدم تأیید	۰/۴۶۹	-۰/۷۲	تحلیل صورت های مالی
تأیید	۰/۰۰۱	۳/۵۶	قوانین و مقررات تجارت
عدم تأیید	۰/۲۱۷	-۱/۲۳	قوانین و مقررات مالیاتی
تأیید	۰/۰۰۱	۱۲/۸۵۱	قوانین و مقررات بیمه تامین اجتماعی
تأیید	۰/۰۰۱	۳/۴۳۴	قوانین و مقررات کار
عدم تأیید	۰/۵۲۳	-۰/۶۴۰	قوانین و مقررات چک
عدم تأیید	۰/۰۰۱	-۱۴/۱۰۴	قوانین و مقررات بانکداری
تأیید	۰/۰۰۲	۳/۰۹۲	قوانین و مقررات واردات و صادرات
تأیید	۰/۰۳۰	۲/۱۸۴	قوانین و مقررات بازار سرمایه (بورس)
عدم تأیید	۰/۰۰۱	-۷/۵۲۷	قوانین و مقررات بولشویی
عدم تأیید	۰/۰۰۱	-۳/۵۷۱	سواد مالی تخصصی

یافته‌های نگاره فوق بیانگر کمتر بودن سواد مالی عمومی و تخصصی مدیران شرکت‌کننده در تحقیق می‌باشد و در هر دو مورد سواد مالی عمومی و تخصصی فرضیه اول پژوهش رد می‌شود. البته در مولفه‌های بیمه بازنشستگی از سواد مالی عمومی و قوانین و مقررات تجارت، قوانین و مقررات بیمه تامین اجتماعی، قوانین و مقررات کار، قوانین و مقررات واردات و صادرات و قوانین و مقررات بازار سرمایه (بورس) از سواد مالی تخصصی فرضیه اول پژوهش با اطمینان ۰/۹۵ تأیید می‌گردد.

فرضیه دوم؛ بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مدیران و سطح سواد مالی آن‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

در این پژوهش سه مولفه سن، جنسیت و وضعیت تاهل به عنوان ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مدیران در نظر گرفته شده است و برای مقایسه سطح سواد مالی مدیران از تحلیل واریانس چند متغیره استفاده گردیده است.

نگاره ۷: نتایج آزمون آنالیز واریانس برای سطح سواد مالی بر اساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مدیران

سواد مالی (نمره کل)		سواد مالی عمومی		سواد مالی تخصصی		
اماره F	سطح معناداری	اماره F	سطح معناداری	اماره F	سطح معناداری	
۱۰۰۷/۳	۰/۰۰۱	۶۳۸/۲۵۴	۰/۰۰۱	۷۶۰/۸۷۵	۰/۰۰۱	اثرات ثابت
۱/۸۸۹	۰/۱۱۳	۱/۳۵۱	۰/۲۵۲	۱/۸۰۸	۰/۱۲۸	سن
۰/۳۸۵	۰/۵۳۶	۳/۲۳۵	۰/۰۷۳	۰/۰۰۱	۰/۹۷۲	جنسیت
۱/۵۱۱	۰/۲۲۰	۰/۱۳۶	۰/۷۱۳	۲/۷۶۱	۰/۰۹۸	وضعیت تاهل

یافته‌های نگاره فوق نشان می‌دهد که هیچ یک از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی تاثیر معناداری بر سواد مالی، سواد مالی عمومی و سواد مالی تخصصی نداشته‌اند که با نتایج فرناندز (۲۰۱۶) سازگار می‌باشد.

فرضیه سوم؛ بین سطح تحصیلات (کمتر از دیپلم، دیپلم، کاردانی و کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) مدیران و سطح سواد مالی آن‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

با عنایت به اینکه متغیر سطح تحصیلات مدیران دارای پنج رده کمتر از دیپلم، دیپلم، کاردانی و کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری می‌باشد در ادامه با استفاده از تحلیل واریانس یکطرفه و آزمون تعقیبی توکی سطح سواد مالی مدیران مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که نتایج در نگاره ۸ ارائه شد.

نگاره ۸: نتایج آزمون آنالیز واریانس برای سطح سواد مالی بر اساس سطح تحصیلات مدیران

مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	اماره F	سطح معناداری
۳۵۸۲/۰۹۷	۴	۸۹۵/۵۲۴	۴/۷۹۸	۰/۰۰۱
۴۱۸۱/۲۶۱	۲۲۴	۱۸۶/۶۵۳		
۴۵۳۹۲/۳۵۸	۲۲۸			

یافته‌های نگاره فوق نشان می‌دهد که با اطمینان ۰/۹۵ فرضیه مزبور تأیید می‌گردد که با نتایج پژوهش‌های التیمی و بن کالی (۲۰۰۹)، آتیکسون و مسی (۲۰۱۲)، فرناندز (۲۰۱۶)، نگوین (۲۰۱۶) در دیگر جوامع سازگار است. البته وجود اختلاف معنادار این سوال را مطرح می‌کند که در چه سطوح تحصیلاتی مدیران با یکدیگر اختلاف سواد مالی داشته‌اند؟

نگاره ۹: آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه سواد مالی با در نظر گرفتن سطح تحصیلات مدیران

گروه‌ها به ترتیب میانگین سواد مالی	تعداد	زیر مجموعه ۰/۹۵	
		۱	۲
کمتر از دیپلم	۳	۴۴/۱۶	۵۵/۷۵
دیپلم	۴	۵۵/۷۵	۵۵/۰۶
فوق لیسانس	۸۱	۵۵/۰۶	۵۵/۰۷
فوق دیپلم و لیسانس	۹۸	۵۵/۰۷	۶۴/۴۷
دکتری	۴۳		

نتایج نگاره فوق بیانگر آن است که مدیرانی که دارای مدرک دکتری هستند اختلاف معناداری با مدیرانی دارند که دارای کمتر از دیپلم داشتند؛ ولی سایر گروه‌ها به دلیل آنکه در یک ستون قرار گرفته‌اند اختلاف معناداری به لحاظ سواد مالی نداشته‌اند. در انجام آزمون مشابه مشخص شد که میزان تحصیلات باعث ایجاد اختلاف در سواد مالی عمومی با نمی‌گردد ولی نتایج آزمون تعقیبی توکی در سواد مالی تخصص مدیران نشان داد که مدیرانی که دارای مدرک دکتری به صورت معناداری نسبت به مدیران دارای مدرک کمتر از دیپلم سواد مالی تخصصی بالاتری داشته‌اند.

فرضیه چهارم؛ بین تجربه و سابقه مدیریت مدیران و سطح سواد مالی آن‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد.

با عنایت به بررسی انجام شده تجربه و سابقه مدیریت مدیران متغیر طبقه‌بندی شده و دارای چهار سطح می‌باشند لذا مشابه با فرضیه‌های قبل از تحلیل واریانس یک طرفه و آزمون تعقیبی توکی برای ارزیابی فرضیه فوق و همچنین سواد مالی عمومی و تخصصی استفاده می‌شود.

نگاره ۱۰: نتایج آزمون آنالیز واریانس برای سطح سواد مالی تخصصی بر اساس سابقه مدیران

اماره F	سواد مالی	سواد مالی عمومی	سواد مالی تخصصی
۲/۵۵۹	۲/۶۱۳	۰/۷۸	
سطح معناداری	۰/۰۴۵	۰/۰۱۴	۰/۵۰۶
نتیجه	تأیید می‌شود	تأیید می‌شود	تأیید نشد

یافته‌های نگاره فوق نشان داد که بین تجربه و سابقه مدیریت مدیران و سطح سواد مالی آن‌ها رابطه معنی‌داری وجود دارد که با نتایج اونیانگو (۲۰۱۳) در مورد سواد مالی کارمندان بانک سازگار است. از طرفی نتایج آزمون تعقیبی توکی برای سواد مالی (نمره کل) و سواد مالی عمومی بیانگر آن است که مدیرانی که دارای سابقه بیش از ۱۵ سال هستند به طور معناداری سواد مالی بالاتری نسبت به کسانی که دارای کمتر از ۱۰ سال سابقه داشته‌اند. سایر رده‌های در نظر گرفته شده به لحاظ سواد مالی اختلاف معناداری با یکدیگر نداشته‌اند. این موضوع در سواد

مالی تخصص صدق نمی‌کند و تجربه و سابقه خدمت مدیران باعث ایجاد اختلاف معناداری در سواد مالی تخصصی نمی‌گردد.

فرضیه پنجم؛ بین گذراندن دوره‌های مالی و سطح سواد مالی مدیران رابطه معناداری وجود دارد.

برای ارزیابی فرضیه فوق از آزمون t استیودنت برای نمونه‌های مستقل استفاده می‌شود که نتایج در نگاره ۱۱ ارائه شده است.

نگاره ۱۱: نتایج آزمون t استیودنت برای مقایسه سواد مالی

نتیجه	سطح معناداری	آماره t	میانگین	تعداد	تجزیه شرکت در کلاس‌های مالی را دارم	سواد مالی (نمره کل)
تائید شد	۰/۰۳۸	-۲/۱۰۸	۵۷/۵۱	۱۸۵	تجزیه شرکت در کلاس‌های مالی را ندارم	۴۴
رد شد	۰/۲۳۶	-۱/۱۴۰	۵۸/۷۸	۱۸۵	تجزیه شرکت در کلاس‌های مالی را دارم	۴۴
رد شد	۰/۰۷۸	-۱/۸۴۷	۵۶/۹۶	۱۸۵	تجزیه شرکت در کلاس‌های مالی را ندارم	۴۴

یافته‌های نگاره فوق نشان می‌دهد که با اطمینان ۰/۹۵ فرضیه مزبور تائید می‌گردد. تاثیر آموزش و گذراندن کلاس‌ها و دوره‌های مالی بر سطح سواد مالی بر اساس نتایج پژوهش اونیانگو (۲۰۱۳)، روساکر (۲۰۱۶)، نگوین (۲۰۱۶)، فرناندز (۲۰۱۶) در سایر جوامع نیز تایید شده است. یافته‌های نگاره فوق نشان می‌دهد که با اطمینان ۰/۹۵ فرضیه سواد مالی عمومی و تخصصی در افراد با تجربه کلاس‌های مالی با سایرین اختلافی نداشته است.

فرضیه ششم؛ بین اندازه شرکت و سطح سواد مالی مدیران رابطه معنی داری وجود دارد. اندازه شرکت با توجه به تعداد پرسنل شرکت تعیین شده است لذا با عنایت به نوع اندازه-گیری متغیرهای اندازه شرکت و سطح سواد مالی می‌توان با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین دو متغیر را ارزیابی نمود.

نگاره ۱۲: نتایج تحلیل همبستگی در رابطه بین اندازه شرکت و سطح سواد مالی

سواد مالی	سواد مالی عمومی	سواد مالی تخصصی	اندازه شرکت
۰/۶۴۲	۰/۳۳۹	۰/۴۸۹	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	سطح معناداری

یافته‌های نگاره فوق نشان داد که بین اندازه شرکت و سطح سواد مالی مدیران (سواد مالی عمومی و تخصصی) رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد و با افزایش اندازه شرکت میزان سواد مالی بهبود می‌یابد. با توجه به نتایج حاصل بدیهی است مدیریت شرکت‌های بزرگ با توجه به پاسخگویی بیشتر به ذینفعان از یکسو و همچنین افزایش فرصت‌های تصمیم‌گیری از سوی دیگر، با احتمال بیشتری سعی در افزایش سواد مالی خود خواهند داشت. فرضیه هفتم؛ بین نوع صنعت فعالیت شرکت و سطح سواد مالی مدیران آن رابطه معنی‌داری وجود دارد.

با توجه به اینکه نوع صنعت بیش از دو گروه بوده است برای ارزیابی فرضیه فوق از تحلیل واریانس استفاده می شود که صورت خلاصه نتایج در نگاره ۱۳ ارائه شده است.

نگاره ۱۳: نتایج آزمون آنالیز واریانس برای سطح سواد مالی بر اساس نوع صنعت

نتیجه	سطح معناداری	F آماره	
تائید شد	۰/۰۱۳	۲/۶۱۸	سواد مالی
تائید شد	۰/۰۱۴	۲/۵۷۱	سواد مالی عمومی
تائید شد	۰/۰۱۳	۲/۶۱۸	سواد مالی تخصصی

یافته های نگاره فوق نشان داد که سواد مالی در صنایع مختلف متفاوت می باشد. نتایج آزمون تعقیبی توکی بیانگر آن است که مدیران شاغل در صنعت دارویی سواد مالی پایین تری نسبت به مدیران شاغل در صنعت راه و ساختمان داشته اند. در سواد مالی عمومی نتایج آزمون تعقیبی توکی نشان داد که مدیران شاغل در صنعت استخراج مواد معدنی سواد مالی عمومی پایین تری نسبت به مدیران شاغل در صنایع دارویی، مواد غذایی و کشاورزی، تاسیسات و تجهیزات، فلزات اساسی و راه و ساختمان دارند. به همین شکل نتایج آزمون تعقیبی توکی برای سواد مالی تخصصی نشان داد که مدیران شاغل در صنعت دارویی سواد مالی تخصصی پایین تری نسبت به مدیران شاغل در صنایع راه و ساختمان دارند. به نظر می رسد صنایعی که مدیران آنها بیشتر با مباحث مالی و الزامات قانونی درگیری دارند از جمله پیمانکاران و تولیدکنندگان، سواد مالی بیشتری خواهند داشت. انتظار می رود مدیر یک کارخانه داروسازی اطلاعات بیشتری در مورد ترکیب داروها داشته باشد نه در مورد مسائل مالی. لذا مدیران با توجه به تخصص شان هر چه از مباحث مالی بیشتر فاصله بگیرند، سواد مالی کمتری خواهند داشت.

فرضیه هشتم؛ بین زمینه فعالیت شرکت و سطح سواد مالی مدیران آن رابطه معنی داری وجود دارد.

زمینه فعالیت مدیران در سه رده تعیین شده است که بر همین اساس از تحلیل واریانس یکطرفه به همراه آزمون های تعقیبی توکی برای ارزیابی استفاده می شود که نتایج در نگاره ۱۴ ارائه شده است.

نگاره ۱۴: نتایج آزمون آنالیز واریانس برای سطح سواد مالی بر اساس زمینه فعالیت

نتیجه فرضیه	سطح معناداری	F آماره	
تائید شد	۰/۰۰۳	۶/۰۳۳	سواد مالی
رد شد	۰/۱۷۹	۱/۷۳۶	سواد مالی عمومی
تائید شد	۰/۰۰۳	۶/۰۳۳	سواد مالی تخصصی

یافته های نگاره فوق نشان می دهد که فرضیه مزبور با اطمینان ۰/۹۵ تأیید می گردد. نتایج آزمون تعقیبی توکی بیانگر آن است که مدیران شاغل در حوزه بازرگانی نسبت به دو گروه دیگر سواد مالی پایین تری داشته اند. در سواد مالی عمومی زمینه فعالیت شرکت باعث اختلاف معناداری در سواد مالی عمومی نشده است با این حال در سواد مالی تخصصی بین زمینه فعالیت

شرکت و سطح سواد مالی مدیران رابطه معناداری وجود داشته است. نتایج آزمون تعقیبی توکی در سواد مالی تخصصی بیانگر آن است که مدیران شاغل در حوزه بازرگانی نسبت به دو گروه دیگر سواد مالی تخصصی پائین‌تری داشته‌اند. با توجه به شرایط اقتصادی کشور و همچنین تمرکز بر بخش‌های تولید و خدمات، دقت، کنترل و الزامات قانونی کمتری برای بخش بازرگانی می‌باشد. لذا مدیران شاغل در بخش بازرگانی در مواجهه با جامعه احساس نیاز کمتری برای تقویت سواد مالی خود در راستای افزایش قابلیت پاسخگویی دارند. مدیران واحدهای تولیدی به دلیل اشتغال به امر تولید و گستردگی فعالیت‌ها و شرایط اقتصادی و تامین منابع اولیه مورد نیاز، بیشتر به منابع مالی احتیاج دارند و بایستی بیشتر از سایر واحدها از صورت‌های مالی، روش‌های تامین مالی و قوانین و مقررات مختلف آگاهی داشته باشند.

۵- بحث و نتیجه گیری

با توجه به شرایط موجود در کشور و حرکت به سوی خصوصی‌سازی، تمام افراد به ویژه مدیران شرکت‌ها باید دارای سطح معقولی از اطلاعات مالی بوده و قدرت تجزیه و تحلیل در بازارهای مالی را داشته باشند. تصمیمات مدیران با آینده واحد تجاری گره خورده است به طوری که هر چه مدیران از سطح سواد، دانش و تجربه بیشتری برخوردار باشند تصمیماتی مناسب‌تر در جهت حفظ منافع ذینفعان و سازمان اخذ می‌نمایند و این امر موجب شده، تجربه و تخصص و دانش مدیران بیشتر از گذشته مورد توجه قرار گیرد. پژوهش حاضر با اهداف تعیین حوزه‌ها و مولفه‌های با اهمیت سواد مالی تخصصی مدیران و تدوین پرسشنامه استاندارد و سازگار با محیط تجاری و اقتصادی ایران جهت سنجش سواد مالی مدیران و اندازه‌گیری سواد مالی آن‌ها طراحی و اجرا گردیده است. نظر به این که در مطالعات قبلی برای سنجش سواد مالی مدیران از پرسشنامه سواد مالی عمومی استفاده شده است در حالی که مدیران علاوه بر سواد مالی عمومی بایستی مجهز به آگاهی و دانش تخصصی لازم در سایر زمینه‌های مالی مانند؛ شناخت و تحلیل صورت‌های مالی و آشنایی با انواع قوانین مقررات نیز باشند، برای این منظور با استعانت از ۱۰ نفر از خبرگان مالی که دارای مرتبه استادیاری و بالاتر در حوزه حسابداری و مالی بوده‌اند و با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی مصادیق و مولفه‌های سواد مالی تخصصی شناسایی و با مدد روش‌های دلفی فازی و AHP فازی پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۴۰ سؤال ۴ گزینه‌ای حاوی ۱۲ سؤال عمومی و ۲۸ سؤال تخصصی تهیه و به عنوان ابزار استاندارد اندازه‌گیری سواد مالی مدیران شرکت‌ها در پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. بخش دوم پژوهش به اندازه‌گیری سواد مالی مدیران شرکت‌ها اختصاص یافته است. در این راستا با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای پنج استان کشور انتخاب و پرسشنامه مورد نظر بین ۲۲۹ نفر که در هر استان به روش تصادفی طبقه‌بندی شده تعداد آن‌ها تعیین گردیده توزیع و جمع‌آوری شده

است. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان دهنده عدم کفایت سواد مالی مدیران در حوزه‌های سواد مالی عمومی و تخصصی می‌باشد، بر اساس آزمون انجام شده در خرده مقیاس‌های سواد مالی عمومی در حوزه بیمه بازنشستگی سواد مالی مدیران تأیید گردید و در حوزه‌های کسب درآمد، سرمایه‌گذاری و پس انداز و خرج و استقراض تأیید نشده است، همچنین در حیطه سواد مالی تخصصی در خرده مقیاس‌های شناخت صورت های مالی، تحلیل صورت های مالی، قوانین و مقررات مالیاتی، چک، بانکداری و پولشویی نیز تأیید نمی‌گردد. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شامل؛ جنسیت، سن و وضعیت تاهل با سطح سواد مالی مدیران اعم از عمومی و تخصصی رابطه معناداری ندارد. میان سطح تحصیلات و سطح سواد مالی مدیران ارتباط معناداری وجود دارد و این ارتباط معنادار بین سطح تحصیلات و سواد مالی تخصصی می‌باشد و با سواد مالی عمومی ارتباط معناداری یافت نشد. تجربه و سابقه مدیریت با سطح سواد مالی عمومی ارتباط معناداری داشته ولی با سواد مالی تخصصی ارتباط معناداری دیده نشد. گذراندن دوره‌های مالی با سطح سواد مالی ارتباط معناداری دارد همچنین، متغیرهای اندازه شرکت و نوع صنعت ارتباط معناداری با سطح سواد مالی اعم از عمومی و تخصصی دارند و نیز میان زمینه فعالیت شرکت و سواد مالی کلی و سواد مالی تخصصی ارتباط معناداری وجود دارد.

بر اساس یافته‌های پژوهش در بخش کمی، پیشنهاداتی به شرح زیر بیان می‌گردد؛

سواد مالی عمومی مدیران در حوزه خرج و استقراض کافی نیست لذا به مدیران توصیه می‌گردد، مهارت‌های خرج و استقراض (نظیر، مراجعه به نظام بانکی و اخذ تسهیلات، استفاده از کارت‌های اعتباری و) را به نحو مقتضی و از طریق آموزش‌های مناسب فرا گیرند.

سواد مالی تخصصی در حوزه شناخت و تحلیل صورت‌های مالی ناکافی بود، لذا به مدیران توصیه می‌گردد که شناخت اجمالی از اقلام صورت های مالی و کاربرد هر یک از آنها و روش‌های تحلیل این صورت‌ها را برای درک وضعیت مالی، عملکرد و نقدینگی شرکت و مقایسه آن را با دوره‌های گذشته، از طریق شرکت در دوره‌های آموزشی مالی فراگیرند.

مدیران سواد مالی تخصصی کافی در مورد بعضی از قوانین و مقررات مانند، قوانین و مقررات مالیاتی، چک، بانکداری و پولشویی را نداشتند. عدم آشنایی مدیران با قوانین مالیاتی باعث خروج منابع مالی از طریق عدم استفاده از تسهیلات قانونی یا ایجاد جرایم مالیاتی می‌گردد. بهترین تامین‌کننده سرمایه در ایران، بانک‌ها می‌باشند، مدیران باید برای کاهش هزینه‌های تامین مالی، از قوانین نظام بانکداری (انواع وام‌ها، تسهیلات و عقود بانکداری) شناخت کافی داشته باشند. بر اساس قوانین پولشویی، مسئول مستقیم عدم رعایت این قوانین مدیرعامل می‌باشد، پس باید از این قوانین مانند، شناخت مصادیق پولشویی، نحوه برخورد با معاملات مشکوک آگاهی کافی داشته باشند، بنابراین به مدیران توصیه می‌شود آگاهی و سواد خود را در این حوزه‌ها افزایش دهند.

با توجه به عدم ارتباط مقطع تحصیلی با سطح سواد مالی عمومی مدیران، پیشنهاد می‌گردد راهکارهای ارتقای سواد مالی عمومی در دانشگاه‌ها در دستور کار محافل و سازمان‌های متولی آموزش عالی در کشور قرار گیرد.

نتایج نشان داد تجربه و سابقه مدیریت مدیران رابطه معناداری با سواد مالی دارد، کسب مهارت‌های مالی در اثر تجربه و آن هم بدون آموزش می‌تواند تاوان سنگینی برای شرکت داشته باشد زیرا مدیران با گذشت زمان و در مواجهه با مسایل و مشکلات، به احتمال زیاد، با آزمون و خطا مسائل مالی جدید را فرا می‌گیرند ولی خطاها ممکن است موجب بروز مشکلات جدی گردد که به شرکت آسیب می‌رساند، بنابراین یادگیری و کسب مهارت‌های مالی بهتر است با آموزش باشد نه صرفاً بر مبنای تجربه. لذا مجدداً تحت آموزش سواد مالی قرار گرفتن مدیران شرکت‌ها مورد توصیه محققین است.

گذراندن دوره‌های مالی با سواد مالی ارتباط معناداری دارد، بنابراین به مدیران پیشنهاد می‌شود که در کلاس‌های آموزش مالی شرکت نمایند و به سهامدارن پیشنهاد می‌شود، از طرق مختلف، انگیزه لازم برای مدیران جهت گذراندن این دوره‌ها را فراهم نمایند.

سواد مالی مدیران شرکت‌های کوچک (اعم از عمومی و تخصصی) کافی نیست که این مهم باعث می‌شود مدیران چنین شرکت‌هایی در تصمیم‌گیری‌های مالی خود دچار خطا و اشتباه شوند که بر تداوم حیات شرکت در آینده تاثیر داشته باشد، بنابراین مدیران چنین شرکت‌هایی باید از طرق مختلف، سطح سواد مالی عمومی و تخصصی خود را افزایش دهند.

با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود سهامداران شرکت‌ها به نقش سواد مالی مدیران در تصمیمات متخذه توجه داشته و در انتخاب اعضای هیئت مدیره شرکت‌ها این مهم را مد نظر قرار دهند و ترجیحاً مدیرانی را انتخاب نمایند که علاوه بر داشتن توانایی مدیریتی، از نظر سواد مالی نیز با کفایت باشند یا مدیران را به نحوی انتخاب نمایند که حداقل تعدادی از اعضای هیئت مدیره دارای تخصص مالی باشند.

یادداشت‌ها

- | | |
|---|--|
| 1.Robert Katz | 18-Ying |
| 2.Plakalović | 19-Arif |
| 3.Bayrakdaroglu, Botan | 20-Atkinson, Messy |
| 4.Ye, Kulathunga | 21-Nguyen |
| 5.Marriot, Mellett | 22-Murendo, mustonzwiwa |
| 6.Kotzè, L. Smit | 23-Al-Tamimi, H, Bin Kalli, A |
| 7.IshgaleyIshmuhametov, Kuzmina-Merlino | 24- Rodriguesa |
| 8-Lussardy, Mitchell | 25- Skinner |
| 9-Huston | 26-Onyango |
| 10-Hussain, Salia, Karim | 27-Rosacker, Kirsten M., Rosacer, Robert E |
| 11-OECD | 28-Couto |
| 12-Du, qiu, Xu | 29-Phenomenology |
| 13- Buchdadi | 30-Kvale |
| 14-Wise | 31-Mckeown, Thomas |

15-Kimunduu, Otieno, Adam

۳۲- طبق ماده ۴ قانون محاسبات عمومی، شرکت دولتی واحد سازمانی مشخص است که با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد شود و یا به حکم قانون و یا دادگاه صالح ملی شده و یا مصادره شده و به عنوان شرکت دولتی شناخته شده باشد و بیش از ۵۰٪ سرمایه آن متعلق به دولت باشد. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی ایجاد شود، مادام که بیش از ۵۰٪ سهام آن متعلق به شرکت های دولتی است، شرکت دولتی تلقی می‌شود. شرکت‌های تجاری خصوصی شرکت‌هایی هستند که از اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی تشکیل می‌شوند و یا اشخاص حقوقی خصوصی با سرمایه دولتی به نحوی که فقط تا ۴۹٪ سرمایه را دارا باشند.

16-Fernandes

17-Eniola, Entebang

33-Gogus, Boucher

۳۴- نمره ملاک در این پژوهش عدد ۶۰ است که براساس پژوهش چن و ولپ (۱۹۹۸) می باشد. مثبت بودن آماری آزمون به منزله بالاتر بودن مقدار میانگین سواد مالی از عدد ۶۰ می باشد که به عنوان نمره ملاک با سواد مدیران در نظر گرفته شده است.

کتابنامه

- حنیفه زاده، محمد. (۱۳۹۴). سواد مالی، مجله حسابرسان، (۸۱): ۱۲۶-۱۳۲.
- سپاسگر شهری، ملیحه و منوچهری، مریم. (۱۳۹۳). شناسایی ذهنیت بینندگان «سریال کلاه پهلوی» با «روش کیو». فصلنامه پژوهش های ارتباطی، ۲۱(۲): ۱۱۳-۱۳۴.
- مظفری، سیدامیراحمد، مشرف جوادی، بتول و نادریان، مسعود. (۱۳۸۱). تعیین مهارت ها و شایستگی های مدیران سازمان تربیت بدنی از دیدگاه خود و ارایه یک الگوی مدیریتی در این زمینه. علوم حرکتی و ورزش، ۱۱(۱): ۹۲-۱۰۴.
- یعقوب نژاد، احمد، نیکومرام، هاشم و معین الدین، محمود. (۱۳۹۰). ارزیابی و ارائه الگویی جهت سنجش سوادمالی (مالیه شخصی) دانشجویان ایرانی، پایان نامه دکتری دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران.
- یعقوب نژاد، احمد، نیکومرام، هاشم و معین الدین، محمود. (۱۳۹۰). ارائه الگویی جهت سنجش سواد مالی دانشجویان ایرانی با استفاده از روش دلفی فازی. مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۲(۸): ۱-۲۳.

References

- Al-Tamimi, H. & Bin Kalli, A. (2002). Financial Literacy and Investment Decisions of UAE investors. *The Journal of Finance*, 10(5): 500-515.
- Arif, Kashif. (2015). Financial Literacy and other Factors Influencing Individuals' Investment Decision: Evidence from a Developing Economy (Pakistan). *Journal of Poverty, Investment and Development*, 12: 74-84.
- Atkinson, A., and Messy, F.-A. (2011). Assessing Financial Literacy in 12 Countries: An OECD/INFE International Pilot Exercise. *Journal of Pension Economics and Finance*, 10(4): 657-665.

- Bayrakdaroğlu, A. & Botan Şan, F. (2014). Financial Literacy Training as a Strategic Management Tool among Small, Medium Sized Businesses Operating In Turkey. *Social and Behavioral Sciences*, 150: 148 – 155.
- Buchdadi, Dharmawan, Agung, Sholeha Gatot, Amelia Nazir, Ahmad, Mukson. (2020). The Influence of Financial Literacy on Smes Performance Through Access to Finance And Financial Risk Attitude as Mediation Variables. *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, 24 (5): 1-6.
- Chen, H., Volpe, R.P. (1998). an analysis of personal financial literacy among college students. *Financial Services*, 7(2): 27-107.
- Du, Maobao, qiu, Fengxia, Xu, wenjing. (2011) . Construction of Enterprises' Financial Knowledge Management System (EFKMS), *Procedia Environmental Sciences*, 11: 1240-1244.
- Fernandes Tânia Isabel Mendes. (2015). Financial Literacy Levels of Small Businesses Owners and it Correlation with Firms' Operating Performance, *Economia Egesta University*, Master in Finance Dissertation.
- Hanifzadeh, M. (2015). Financial Literacy. *Hesabras*, 81: 126-132. (In Persian)
- Hussain, J., Salia, S. & Karim, A. (2018) Is Knowledge that Powerful? Financial Literacy and Access to Finance: An Analysis of Enterprises in the UK. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 25 (6): 985-1003.
- Huston, Sandra J.(2009), Measuring Financial Literacy, *The Journal of Consumer Affairs*, 44(2): 296 -316.
- Ishmuhametov I. & Kuzmina-Merlino, I. (2017), What Motivates a Learner Manager of a Logistic Company to Achieve Financial Literacy? *Procedia Engineering*, 178: 76-84.
- Kimunduu, Geoffrey, Erick, Otieno, Shisia, Adam,(2016), A study on the influence of financial literacy on financial performance of small and medium enterprisesin Ruiru Town, Kiambu County, Kenya , *International Journal of Economics, Commerce and Management, United Kingdom*, 5(11): 416-433.
- Lusardi, A. & Mitchell, O. S. (2011). Financial Literacy and Retirement Planning in the United States”. CeRP Working Papers, Center for Research on Pensions and Welfare Policies, Turin (Italy): 2-14.
- Lusardi, A., and Mitchell, O. S. (2011), Financial Literacy around the World: An Overview. *Journal of Pension Economics and Finance*, 10(4): 497-508.
- Mozaffari, A. A. Moshref-Javadi, B. & Nadeian, M. (2002). Determining the skills and Competencies of the Managers of the Physical Education Organization from their Point of View and Presenting a Management Model. *Journal of Motor sciences and Sports*, 1(1): 92-104. (In Persian)
- Murendo, Conrad , kingstone mustonziwa. (2012). Financial literacy and savings decisions by adult financial consumers in Zimbabwe, *International Journal of Consumer Studies*, 41(1): 25–103.

- Nguyen, T. A. N. (2015). The Impact of Demographic Characteristics on Financial Literacy: An Empirical Study in Commercial Banks' Customers. *13th International Scientific Conference*, Brno: Masaryk University.
- OECD (2013), PISA 2012 Assessment and Analytical Framework: Mathematics, Reading, Science, Problem Solving and Financial Literacy, OECD Publishing. <http://dx.doi.org/10.1787/9789264190511-en>.
- OECD (2016), OECD/INFE International Survey of Adult Financial Literacy Competencie, OECD, Paris, www.oecd.org/finance/OECD-INFE-International-Survey-of-Adult-Financial-Literacy-Competencies.
- Onyango, O., S. (2013). Effect of Financial Literacy on Management of Personal Finances Among Employees of Commercial Banks in Kenya, *Master of science in Finance*, University of Nairobi.
- Plakalović, N. (2015). Financial Literacy of SMEs Managers. *Management, Knowledge and Learning joint International Conference*, Italy.
- Rodriguesa, F. L., Oliveiraa, A., Rodriguesbc, H. & Costad, C. J. (2019). Assessing Consumer Literacy on Financial Complex Products. *Journal of Behavioral and Experimental Finance*, 22: 93-104.
- Rosacker, K. M. & Rosacer, R. E. (2016). An Exploratory Study of Financial Literacy Training for Accounting and Business Majors. *The International Journal of Management Education*, 14: 1-7.
- Schuhlen, M. & Schu'rkmann, S. (2014). Construct Validity of Financial Literacy. *International Review of Economics Education*, 16: 1-11.
- Sepasgozar-Shahri, M. & Manoochehri, M. (2014). Identifying Viewers' Cognition for the TV Series of "Pahlavi Hat" through Q Methodology. *Quarterly Journal of Communication Research*, 21(2): 113-134. (In Persian)
- Yaghoobnezhad, A. Moeinoddin, M. & Nokoomaram, H. (2011). Evaluating and providing a Model for Measuring Financial Literacy (Private Finance). Unpublished PhD Dissertation. Islamic Azad University, Tehran Science and Research Branch. (In Persian)
- Yaghoobnezhad, A. Nikoomaram, H. & Moeinodin, M. (2011). Developning a Model for Measuring the Financial Literacy of Iranian Students: A Fuzzy Delphi Method. *Financial Engineering and Porfolio Management*, 2(8): 1-23. (In Persian)
- Ye, Jianmu & KMMCB K. (2019). How Does Financial Literacy Promote Sustainability in SMEs? A Developing Country Perspective. *Sustainability, MDPI, Open Access Journal*, 11(10): 1-21.